



خواب و تعبیر آن | ۲

از گفتار و شیوهی امامان فهمیده می‌شود بخشی از خواب دیدن‌ها راست است و منبع کشف و شناخت می‌باشد و دارای تعبیر است. تعبیر آن گاهی سریع رخ می‌دهد و گاهی سال‌ها بعد آشکار می‌شود. نباید برای تعبیر خواب، نزد هر کسی رفت.

۶. خستگی و ناراحتی‌های روحی و فکری

خستگی موجب خواب‌های آشفته و کابوس‌های وحشتناک خواهد شد. خواب‌های آشفته بی‌پایه و پریشان است و تعبیر و پیام ندارد.

ج) عمومیت خواب دیدن

خواب دیدن، یک امر عمومی و همگانی است. همه، بدون استثنا گاهی خواب می‌بینند، منتها حافظه‌ی بعضی ضعیف است و خوابی را که دیده‌اند، فراموش می‌کنند. از این رو، سفارش شده آن را زود یادداشت کنید تا فراموش نگردد. در این جهت، فرقی بین زن و مرد نیست. زن‌ها نیز خواب می‌بینند و بعضی رؤیاهای‌شان راست و دارای تعبیر و پیام است. این که معروف شده: خواب زن چپ است! بی‌اساس است. در آیات و روایت، چنین موضوعی دیده نشده، بلکه خوابیدن، به طور عموم مطرح شده است.

در روایات آمده است که گاهی فاطمه‌ی زهرا(س) خواب می‌دید و رسول اکرم(ص) آن را تعبیر می‌کرد. در مورد «ام الفضل»، همسر عباس (عموی پیامبر) روایت شده است خواب وحشتناکی دید و با حزن و اندوه نزد رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: شب گذشته، خواب وحشتناکی دیدم!

رسول خدا(ص) فرمود: «چه خوابی دیدی؟»

گفت: در خواب دیدم قطعه‌ای از گوشت بدن تو جدا شد و بر روی دامن من قرار گرفت.

رسول خدا(ص) فرمود:

خَيْرًا زَابِتٌ تَلِدُ فَاطِمَةَ غُلَامًا فَيَكُونُ فِي جِجْرِكِ؛

خیر است! تو دیده‌ای فاطمه پسری به دنیا می‌آورد، که در آغوش تو قرار می‌گیرد.

ام الفضل می‌گوید: پس از چند روزی، حسین متولد شد و همان گونه که پیامبر(ص) خواب مرا تعبیر کرد، حسین را در بغل گرفتم و روی دامنم نشاندم. [1]

د) آگاهان به تعبیر خواب

«تعبیر خواب» علم و فن بسیار مهمی است که در جایگاه عظیمی قرار دارد؛ چرا که شعبه‌ای از خصال پیامبری است و هر کسی شایستگی برای اتصاف به این علم و فن را ندارد، مثلاً مرجع تقلید که در علوم اسلامی، برتر از دیگران شناخته شده، ممکن است اطلاعات فنی به تعبیر خواب نداشته باشد. بنابراین، هر کسی خوابی می‌بیند و نزد ملائی محل یا امام جمعه می‌رود و می‌گوید خوابی دیدم، تعبیر کن، اصولی و فنی نخواهد بود.

علم تعبیر خواب، از دو راه نصیب انسان می‌شود:

۱. از راه غیرعادی؛ خداوند این مقام را به بعضی بندگان خالص و پرهیزکارش مانند پیامبران و امامان(ع) و اولیاء عنایت

می‌فرماید:

«نُورٌ يَفِذُهُ اللهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ».

2. عده‌ای نیز بر اثر تسلط بر آیات و روایات بسیار و راه‌یابی به بطون و ژرفای آیات و روایات، به اضافه‌ی ذوق سرشاری که دارند، به علم تعبیر خواب، دست می‌یابند.

تعبیر خواب، آسان نیست که هر کسی بتواند به این علم راه یابد، بلکه از علوم بزرگ است که به اولیای آگاه الهی می‌رسد. در مورد اول، می‌توان از یوسف نام برد. او بر اثر پاکی و کمالات و شایستگی به جایی رسید که خداوند تعبیر خواب را به او داد؛ چنانکه حضرت یعقوب به پسرش، یوسف فرمود:

وَ كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَ يُعَلِّمُكَ مِنَ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ؛ [2]

این‌گونه پروردگارت تو را برمی‌گزیند و از تعبیر خواب‌ها به تو می‌آموزد و نعمتش را بر تو و بر آل یعقوب، تمام و کامل می‌کند.

یوسف به خدا عرض کرد:

رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ؛ [3]

پروردگارا! بخش [عظیمی] از حکومت را به من بخشیدی و مرا از علم تعبیر خواب‌ها آگاه ساختی.

محمد بن سیرین از اهالی بصره و شخصی زیبا صورت و نیکو سیرت بود، که در 110 ه.ق از دنیا رفت.

وی در جوانی شغل بزازی داشت. روزی بانویی که عاشق و شیفته‌ی جمال او شده بود، او را به بهانه‌ی خریدن پارچه، به خانه‌اش برد و در خانه را بست و از او خواست کامجویی نامشروع کند.

ابن سیرین گفت: معاذالله که تن به عمل منافی عفت بدهم! سپس زن را نصیحت کرد و از مذمت زنا و نتایج شوم آن گفت، تا زن منصرف گردد، ولی او منصرف نشد. سرانجام ابن سیرین تصمیم گرفت با حیل‌های شرعی، از دام بگریزد. به بهانه‌ی این که در فشار ادرار است، به توالت رفت و در آنجا بدنش را به نجاست آلوده کرد و بیرون آمد. وقتی زن او را با آن وضع زشت دید، متنفر شد و او را از خانه بیرون کرد. بعد از این ماجرا، موهبت الهی شامل ابن سیرین شد و دارای علم تعبیر خواب گردید [4]

احتیاط و پاک‌زیستی ابن سیرین، در حدی بود که نقل شده است: روزی چهل خُمره (سبوی بزرگ) روغن خرید. در میان یکی از آنها موش مرده‌ای دیده شد. او روغن همه‌ی خُمره‌ها را دور ریخت. [5]

مورد دوم از آگاهی به تعبیر خواب، که دانشمندان ژرف‌نگر با ذوق سلیم و اندیشه‌ی استوار، آن را از آیات قرآن و گفتار پیامبر (ص) و امامان (ع) استخراج می‌کنند، راه دیگری برای دستیابی به تعبیر خواب است. برای روشن شدن مطلب، به ذکر چند نمونه می‌پردازیم:

مهدی عباسی (سومین خلیفه‌ی عباسی) در خواب دید صورتش سیاه شده است. تعبیر آن را از تعبیرکنندگان پرسید. همه از تعبیر آن درمانده شدند، جز «ابراهیم کرمانی» که گفت: دارای دختر می‌شوی.

از او سؤال شد تعبیر را از کجا آوردی؟

گفت: از قرآن که می‌فرماید:

وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْتَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا؛ [6]

هرگاه به یکی از آنان بشارت دهند: دختری نصیب تو شده، صورتش [از فرط ناراحتی] سیاه می‌شود.

مهدی عباسی هزار درهم به او جایزه داد. وقتی مهدی دارای دختر شد، هزار درهم دیگر به او عطا کرد. [7]

متوکل (دهمین خلیفه‌ی عباسی) در عالم خواب امیرمؤمنان را درون آتش برافروخته دید. چون دشمن علی بود، از این خواب شادمان شد. بی‌آن که به کسی بگوید خواب چه کسی را دیده است، یکی از مُعَبَّران را طلبید و به او گفت: چنین خوابی دیده‌ام، تعبیرش چیست؟

مُعَبَّر گفت: شخصی را که در خواب دیده‌ای، سزاوار است پیامبر یا وصی باشد.

متوکل گفت: از کجا می‌گویی؟

مُعَبَّر گفت: از سخن خدا در قرآن:

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَن فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا؛ [8]

هنگامی که [موسی] نزد آتش آمد، ندایی برخاست که مبارک باد آن که در آتش است و کسی که اطراف آن است. زنی نزد ابن سیرین آمد و گفت: خواب دیدم گویا تخم مرغ را زیر چوب می‌نهم و از زیر آن جوجه‌هایی بیرون می‌آیند. ابن سیرین گفت: وای بر تو، از خدا بترس! تو زنی هستی که مردان و زنان نامحرم را از راه نامشروع به هم می‌رسانی. شخصی از ابن سیرین پرسید: این تعبیر را از کجا آوردی؟

گفت: از سخن خداوند در قرآن که در وصف منافقان می‌فرماید.

كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُّسْنَدَةٌ؛ [9]

منافقان، گویی چوب‌های خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده‌اند.

تخم مرغ، زنان هستند. چوب‌ها مفسدان می‌باشند و جوجه‌ها زنازادگان می‌باشند. [10]

ه) نقل خواب نزد اشخاص شایسته

همان‌گونه که گفتیم، تعبیر خواب، علم و فن مهم و عظیم است. از این رو، تعبیرکننده باید صلاحیت علمی و معنوی برای تعبیر خواب داشته باشد. بنابراین، نباید نزد هر کسی رفت و از او خواست خواب را تعبیر کند. نباید هر کسی خواب افراد را تعبیر کند. چه بسا افرادی از روی ناآگاهی یا حسادت و آلودگی معنوی، خواب افراد را به غلط تعبیر می‌کنند و موجب تشویش خاطر می‌گردند. به همین جهت در قرآن آمده است: وقتی حضرت یوسف در خواب دید یازده ستاره و خورشید و ماه، او را سجده کردند و خواب خود را برای پدرش گفت، یعقوب فرمود:

يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ [11]

ای فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن که برای تو نقشه‌ی خطرناک می‌کشند، چرا که شیطان دشمن آشکار انسان است.

رسول اکرم(ص) فرمود:

الرُّؤْيَا عَلَىٰ رَجُلٍ طَائِرٌ مَا لَمْ يُعَبَّرْ، فَإِذَا عُبِّرَتْ وَقَعَتْ، وَ لَا تَقْصُصْهَا إِلَّا عَلَىٰ وَادِّ أَوْذَى رَأَيْ؛ [12]

کسی که خواب دیده، خواب او بر فرازش به صورت پرنده است تا آن هنگام که تعبیر نشده است. هنگامی که تعبیر شد، آن پرنده سقوط می‌کند. [هرگونه که تعبیر شد، ممکن است همان‌گونه اتفاق بیفتد]. بنابراین، خواب خود را جز برای آن که دوست صمیمی تو است یا تعبیر خواب می‌داند، نقل نکن.

در سخن دیگر فرمود:

لَا تَقْصُصْ الرُّؤْيَا إِلَّا عَلَىٰ عَالِمٍ أَوْ نَاصِحٍ؛ [13]

خواب خود را نقل نکن مگر برای عالم یا خیرخواه.

نیز فرمود:

الرُّؤْيَا لَا تَقْصُصُ إِلَّا عَلَىٰ مُؤْمِنٍ خَلَا مِنَ الْحَسَدِ؛ [14]

خواب خود را برای هیچ کس جز مؤمنی که دور از حسادت است، نقل نکن.

در عصر پیامبر(ص)، شخصی به سفر رفت. زنش خوابی دید و به حضور رسول خدا(ص) آمد و گفت: در خواب دیدم تنه‌ی درخت خرما در خانه‌ام شکسته شد.

پیامبر(ص) فرمود: «شوهرت به سلامتی باز می‌گردد.»

پس از مدتی شوهر بازگشت. بار دیگر شوهر به سفر رفت و او همان خواب را دید و نزد پیامبر(ص) رفت و خواب خود را گفت. پیامبر(ص) فرمود: «شوهرت سالم باز می‌گردد.» پس از مدتی، شوهر به سلامتی بازگشت.

بار سوم شوهر او سفر کرد. زن همان خواب را دید. وقتی بیدار شد، مرد چپ دستی را دید. خواب را برای او نقل کرد. مرد گفت: وای! شوهرت می‌میرد!

این خبر به پیامبر(ص) رسید و فرمود:

إِلَّا كَانَ عَبْرَ لَهَا خَيْرًا؛ [15]

آیا او نمی‌توانست خواب زن را تعبیر نیک کند؟! (چرا تعبیر نیک نکرد؟)

و) ساعت‌های خواب دیدن

علاّمه مجلسی در کتاب شرح السنّه نقل می‌کند:

خواب دیدن در شب، قوی‌تر از خواب دیدن در روز است، و راست‌ترین ساعت‌های خواب دیدن، هنگام سحر است.

امام صادق(ع) فرمود:

أَسْرَعُهَا تَأْوِيلًا رُؤْيَا الْقَيْلُولَةِ؛ [16]

تعبیر خواب دیدن هنگام قبل از ظهر، از همه‌ی خواب‌ها در وقت‌های دیگر، سریع‌تر انجام می‌گیرد.

امام صادق(ع) خواب دیدن در آغاز شب را خواب دروغین خواند و فرمود:

وَ أَمَّا الصَّادِقَةُ إِذَا رَأَاهَا بَعْدَ الثَّلَاثِينَ مِنَ اللَّيْلِ مَعَ حُلُولِ الْمَلَائِكَةِ وَ ذَلِكَ قَبْلَ السَّحْرِ فَهِيَ صَادِقَةٌ لَا تُخَلَّفُ...؛ [17]

خواب راست، هنگامی است که آن را پس از گذشتن دوسوم از شب، یعنی هنگام ورود فرشتگان ببیند. این هنگام، قبل از سحر است. چنین خوابی به خواست خدا، راست است و مطابق با واقع می‌باشد؛ مگر در وقتی که جُنُب یا بی‌وضو باشد و به یاد خدا نباشد. در این صورت، موجب وقفه و نوسان خواهد شد.

ز) گوناگون بودن مهلت تعبیر خواب

تعبیر بعضی خواب‌ها، فوری یا پس از ساعاتی آشکار می‌شود؛ ولی تعبیر بعضی خواب‌ها ممکن است سال‌ها بعد واقع گردد.

تعبیر خواب حضرت یوسف که در خواب دید یازده ستاره و ماه و خورشید او را سجده می‌کنند، بعد از چهل سال آشکار شد که مادر و پدر و یازده برادرش، در برابر تخت سلطنت او کرنش کردند.

شخصی از امام صادق(ع) پرسید: چقدر ممکن است بین رؤیا و وقوع آن فاصله بیفتد؟ حضرت فرمود:

پنجاه سال، زیرا پیامبر(ص) در خواب دید: سگی پوزه‌ی خود را به خون حضرتش آغشت. آن را این‌گونه تعبیر کرد. مردی

فرزندی، امام حسین(ع) را می‌کشد. وقوع این تعبیر، پنجاه سال به طول انجامید. [18]

امام حسین(ع) در شب عاشورا هنگام سحر، سرش بر زانویش بود. اندکی خوابید، سپس بیدار شد و فرمود:

در خواب دیدم چند سگ به من حمله کردند تا مرا بگزند. در میان آنها سگ ابلقی بود که بیشتر و شدیدتر به من حمله کرد.

به گمانم، قاتل من مردی مبتلا به پیسی، از میان این قوم است. [19]

در این خواب، فاصله‌ی بین خواب و کشته شدن کمتر از یک روز بود.

شیخ مفید (متوفی 413 ه.ق) شبی در عالم خواب، فاطمه زهرا(س) را دید که دست حسن(ع) و حسین(ع) را گرفته و نزد

شیخ آورده بود و فرمود: فقه را به این دو بیاموز.

صبح هما شب، مادر سید مرتضی و سید رضی در حالی دست دو فرزندش را گرفته بود، نزد شیخ مفید آمد و گفت: فقه را

به این دو بیاموز. [20]

شیخ مفید، از این واقعه‌ی عجیب، به عظمت مقام مادر سید مرتضی و سید رضی و به آینده‌ی درخشان فرزندان او پی برد

و کوشش فراوان در آموزش آن دو کرد و آنان از علمای بزرگ شدند.

در این خواب، فاصله‌ی خواب دیدن و تعبیر، بسیار کوتاه بود.

سُدیر صیرفی می‌گوید: در عالم خواب، رسول خدا(ص) را دیدم. به سوی او رفتم و سلام کردم. دیدم طَبَقی از خرما نزدش

هست. عرض کردم: ای رسول خدا! یک عدد خرما به من بدهم. حضرت یک عدد خرما داد و خوردم. به همین

ترتیب، هشت خرما به من داد و خوردم، باز طلب خرما کردم، فرمود: همین کافی است.

از خواب بیدار شدم. صبح به محضر امام صادق(ع) رفتم. دیدم طَبَقی از خرما نزدش هست؛ همان‌گونه که در خواب دیده

بودم. سلام کردم، جواب سلام مرا داد. تقاضای خرما کردم، حضرت یک دانه خرما به من داد. آن را خوردم و باز تقاضای

خرما کردم. به همین ترتیب، هشت دانه خرما از حضرت گرفتم و خوردم. باز طلب خرما نمودم، حضرت فرمود:

لَوْ زَادَكَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ لَرَدْنَاكَ؛

اگر جَدّم رسول خدا زیادتر به تو می‌داد، من نیز زیادتر می‌دادم.

ماجرای خواب دیدن خود را گفتم، حضرت همچون کسی که به همه‌ی ماجرا آگاه است، خندید. [21]

ح) توجه به شخصیت خواب‌بین

گاهی ممکن است دو نفر خوابی را یکسان ببینند. ولی تعبیر هر کدام با دیگری تفاوت داشته باشد. این تفاوت، مربوط به حالات معنوی و روحی‌شان است. دو نفر نزد ابن سیرین آمدند. یکی گفت: در خواب دیدم اذان می‌گویم. دومی نیز همین سخن را گفت:

ابن سیرین به اولی گفت: برای حج به مکه می‌روی، و به دومی گفت: به علت دزدی، دستگیر می‌شوی. وقتی علت تفاوت را پرسیدند، در پاسخ گفت: در اولی، چهره‌ی نیکی دیدم. تعبیر خواب او را بر اساس این آیه نمودم:

وَ اَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ؛ [22]

و مردم را دعوت عمومی به حج کن.

چهره‌ی دومی را ناپسند یافتم، تعبیر خواب او را بر اساس این آیه کردم:

ثُمَّ اَذِّنْ مُؤَدِّنًا لَهَا الْعَبِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ؛ [23]

سپس فریاد زنده‌های صدا زد: اهل قافله! شما دزد هستید. [24]

ط) خواب دیدن پیامبر(ص) یا امام(ع)

از روایات متعدد فهمیده می‌شود اگر کسی پیامبر اکرم(ص) یا امامان(ع) را در خواب دید، خواب او درست است؛ زیرا آنان به شکل شیطان در نمی‌آیند. به چند روایت توجه کنید:

رسول اکرم(ص) فرمود:

مَنْ رَأَى فِي مَنَامِهِ فَقَدْ رَأَى؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ فِي صُورَتِي، وَ لَا فِي صُورَةِ أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَائِي؛ [25]

آن که مرا در خوابش ببیند، در حقیقت مرا دیده است؛ چرا که شیطان به شکل من در نمی‌آید، همچنین شیطان به صورت یکی از اوصیای من (امامان) در نمی‌آید.

نیز فرمود:

مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ؛ [26]

کسی که مرا در خواب ببیند، همانا حق را دیده است.

یعنی خواب او راست است.

در عصر حضرت رضا(ع)، شخصی رسول خدا(ص) را در خواب دید. ماجرا را به حضرت رضا(ع) عرض کرد، حضرت فرمود:

هُوَ رَسُولُ اللَّهِ، مَنْ رَأَاهُ فَقَدْ رَأَاهُ؛ [27]

او رسول خدا است. کسی که حضرت را در خواب ببیند، در حقیقت او را دیده است.

میرزای قمی پس از ذکر حدیث فوق می‌گوید:

اعتماد به حکم پیامبر(ص) یا امام(ع) در عالم خواب، در صورتی که مخالف ظواهر شرع که در دسترس ما است باشد،

مشکل است؛ ولی در آنجا که مخالف نباشد، عدم اعتماد مشکل خواهد بود. [28]

ی) نمونه‌هایی از تعبیر خواب‌های امامان(ع)

مردی به محضر امام سجاد(ع) آمد و گفت: در خواب دیدم گویا بر دستم ادرار می‌کنم. امام سجاد(ع) فرمود: «همسرت

محرّم توست.» او رفت و تحقیق کرد، دریافت همسرش خواهر رضاعی او است. [29]

ابراهیم کرخی می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: مردی در خواب، خدا را دیده است. تعبیرش چیست؟

امام فرمود:

او مردی بی‌دین است؛ زیرا ذات پاک خدا، نه در خواب دیده می‌شود و نه در بیداری، نه در دنیا و نه در آخرت. [30]

در عصر امام صادق(ع)، مردی به سفر رفت و سفرش به طول انجامید. در عالم خواب دید قوچی با دو شاخ خود به زیر

شکم همسرش می‌زند. غمگین گردید و گفت: نامحرمی در غیاب من با همسر رابطه‌ی نامشروع پیدا کرده است! سوءظن

و خیال‌واهی، او را بسیار پریشان کرد و گفت:

نگهداری همسر، دیگر به صلاح من نیست. باید او را طلاق داد! او با همین فکر آشفته نزد امام صادق(ع) رفت و خواب

خود را شرح داد. امام فرمود:

«همسرت به یاد تو است و خود را برای آمدن تو می‌آراید و با دو سر قیچی موی زیرشکم خود را زدوده است.

بیان لطیف امام، فکر پریشان مرد را برطرف کرد. او به خانه‌اش بازگشت و همان‌گونه که امام تعبیر کرده بود، همسرش را

با محبت یافت. [31]

به این ترتیب، امام صادق(ع) آموخت باید از تعبیر خواب‌هایی که اساسی ندارد و گاهی موجب سوءظن و اتهام زن پاکدامن و از هم پاشیدگی خانواده‌ها می‌شود، دوری جست.

شخصی به حضور امام صادق(ع) آمد و عرض کرد: در خواب دیدم گنجشکی در دست گرفته‌ام.

امام فرمود: «ده درهم نصیب تو خواهد شد.»

ساعتی نگذشت که نه درهم به مرد رسید. او حضور امام آمد و گفت: چرا نه درهم به من رسیده؟

امام فرمود: «دوباره خوابت را تعریف کن.»

او خواب خود را تعریف کرد و افزود: در عالم خواب به پشت گنجشک نگاه کردم، دیدم دم ندارد.

حضرت فرمود: «اگر دم داشت، دهم‌درهم نصیب تو می‌شد.» [32]

«ابو عماره» در خواب دید همراه او دوازده نیزه است. نزد امام صادق(ع) آمد و خواب خود را تعریف کرد. امام فرمود: «آیا نیزه‌ها پیکان [33] داشتند؟» عرض کرد: نداشتند.

امام فرمود: «اگر پیکان داشتند، دارای پسر می‌شدی، ولی دختردار خواهی شد. نیزه‌ها چند گره داشتند؟» گفت: دوازده گره.

امام فرمود: «دارای دوازده دختر خواهی شد.»

همان‌گونه که امام فرمود، شد. عباس بن ولید می‌گوید: من فرزند یکی از دختران ابو عماره هستم و یازده خاله دارم و ابوعماره جد من است. [34]

یاسر خادم می‌گوید: به امام رضا(ع) عرض کردم: در خواب دیدم گویا پیمان‌های بود که در آن هفده شیشه وجود داشت. پیمان‌ها سقوط کرد و شیشه‌ها شکست.

امام صادق(ع) فرمود: «اگر خواب تو راست باشد، مردی از خاندان من قیام می‌کند و پس از هفده روز حکومت، از دنیا می‌رود. اتفاقاً محمد بن ابراهیم طباطبا (از نوادگان امام حسن) در کوفه قیام کرد و پس از هفده روز حکومت از دنیا رفت. [35]

موسی عطار نزد امام صادق(ع) آمد و گفت: در خواب دامادم را که مرده است دیدم. با من معانقه کرد. وحشت‌زده و نگران شده‌ام. گمان می‌کنم اجلم نزدیک شده است.

امام فرمود: همواره در صبح و در شام در انتظار مرگ باش، چرا که مرگ خواهی نخواهی به سراغ ما می‌آید؛ ولی بدان معانقه با مردگان موجب طول عمر می‌شود. نام دامادت چه بود؟ عرض کردم: حسین.

فرمود: «خوابی که دیده‌ای، بیانگر آن است که باقی می‌مانی و قبر امام حسین(ع) را زیارت می‌کنی؛ زیرا هر که [در خواب] با همنام امام حسین(ع) معانقه کند، به خواست خدا، مرقد امام را زیارت می‌کند.» [36]

مردی نزد امام صادق(ع) آمد و گفت: در خواب دیدم در بیابان مدینه هستم. در آنجا مردی چوبین سوار بر اسب چوبین است و شمشیری در دستش برق می‌زند. من در حالی که سخت ترسان و وحشت‌زده شده بودم، به سوار چوبین نگاه می‌کردم.

امام فرمود: «تصمیم داری مردی را در امور زندگی‌اش فریب بدهی، از خداوندی که تو را آفریده و سپس می‌میراند، بترس و پرهیزکاری را پیشه‌ی خود کن.

مرد گفت: گواهی می‌دهم علم به تو عطا شده و دانش را از معدنش بیرون کشیده‌ای. از آنچه در تعبیر خواب من فرمودی، عرض کنم: همسایه‌ای دارم که نزد من آمد و گفت: باغم را می‌فروشم. من تصمیم گرفتم با عیب‌تراشی، باغ او را ناقص جلوه دهم، آنگاه آن را ارزان بخرم، زیرا می‌دانم غیر از من کسی باغ را خریداری نمی‌کند.

امام صادق(ع) فرمود: «آیا همسایه‌ی تو شیعه است؟»

گفتم: آری، آدم بسیار خوش عقیده و با تقوا است. از تصمیم بدی که داشتم، در حضور شما توبه می‌کنم و معذرت می‌خواهم. [37]

مردی نزد امام صادق(ع) و گفت: در خواب شما را دیدم، پرسیدم: چقدر از عمر من باقی مانده است؟ شما با پنج انگشت

دست خود اشاره کردید، یعنی پنج روز. اکنون فکرم پریشان شده و نگران هستم.
امام فرمود:

تو از من درباره‌ی چیزی پرسیدی که جز خدا کسی به آن آگاهی ندارد، اموری که جز خدا کسی به آن آگاه نیست، پنج چیز است که در قرآن آمده است.

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ؛ [38]

آگاهی از زمان قیامت، مخصوص خدا است، و او است که باران را نازل می‌کند، و آنچه را در رحم مادران است می‌داند، و هیچ کس نمی‌داند فردا چه می‌کند، و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد. [39]

ابو حمزه ثمالی می‌گوید:

در سفر حج، در مدینه حضور امام سجاد(ع) رسیدم، فرمود: «در خواب دیدم به بهشت وارد شدم، همان طور که بر بالش بهشتی تکیه کرده بودم، ندایی شنیدم که مکرر به من می‌گفت: ای علی بن الحسین! ولادت «زید» بر تو مبارک باد!» [این خواب، هنگامی بود که زید متولد نشده بود].

سال بعد نیز در سفر حج، محضر امام سجاد(ع) رسیدم، دیدم زید در آغوش حضرت است. امام فرمود:

هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا؛ [40]

این فرزند، تعبیر خوابی است که دیدم، پروردگارم آن را محقق گرداند. [41]

نتیجه و جمع‌بندی

از مطالب مذکور نتیجه می‌گیریم: از گفتار و شیوه‌ی امامان فهمیده می‌شود بخشی از خواب دیدن‌ها راست است و منبع کشف و شناخت می‌باشد و دارای تعبیر است. تعبیر آن گاهی سریع رخ می‌دهد و گاهی سال‌ها بعد آشکار می‌شود. نباید برای تعبیر خواب، نزد هر کسی رفت. آنان که خواب خود را نزد هر کسی بیان می‌کنند، کار ناصحیح انجام می‌دهند. اگر احياناً چنین کردند، باید پاسخ را به گونه‌ای مثلاً خیر است انشاءالله داد که موجب پریشانی و اضطراب نگردد. دیدن پیامبر(ص) و امامان(ع) در خواب، نشانه‌ی راست بودن خواب است و نباید آن را نادیده بگیریم، خواب بر سه گونه است: رحمانی، عادی، شیطانی. در این راستا سخن بسیار است، که به همین مقدار کفایت می‌کنیم.

پی‌نوشت‌ها:

- [1]- بحارالانوار، ج 44، ص 239؛ ارشاد مفید، ص 234. نظیر این مطلب درباره‌ی «ام ایمن» نقل شده است (سفینه‌البحار، ج 1، ص 495).
- [2]- یوسف (12) آیه‌ی 6.
- [3]- همان، آیه‌ی 101.
- [4]- الکنی واللقاب، ج 1، ص 319.
- [5]- الکنی واللقاب، ج 1، ص 319.
- [6]- نحل (16) آیه‌ی 58.
- [7]- الکنی واللقاب، ج 1، ص 318.
- [8]- نمل (27) آیه‌ی 8.
- [9]- منافقون (63) آیه‌ی 4.
- [10]- الکنی واللقاب، ج 1، ص 320.
- [11]- یوسف (12) آیه‌ی 5.
- [12]- میزان‌الحکمه، ج 4، ص 18.
- [13]- همان، نظیر این روایت در کافی، ج 8، ص 336 هست.
- [14]- روضة‌الکافی، ص 336.
- [15]- همان، ص 335-336.
- [16]- بحارالانوار، ج 61، ص 194-195.

- [17]- بحارالانوار، ج 61، ص 194-195.
- [18]- دارالسلام، ج 1، ص 49.
- [19]- بحارالانوار، ج 61، ص 183.
- [20]- میرزای قمی، قوانین الاصول، ص 496.
- [21]- بحارالانوار، ج 61، ص 214-242.
- [22]- حج (22) آیهی 27.
- [23]- یوسف (12) آیهی 70.
- [24]- الکنی واللقاب، ج 1، ص 320.
- [25]- بحارالانوار، ج 61، ص 234.
- [26]- همان، ص 235.
- [27]- قوانین الاصول، ص 496.
- [28]- همان.
- [29]- المستطرف، ج 2، ص 89.
- [30]- البصائر الدرجات، ص 363؛ بحارالانوار، ج 61، ص 168.
- [31]- شیخ بهایی، کشکول، ص 432.
- [32]- نوری، دارالسلام، ج 1، ص 146.
- [33]- آهن نوک تیز، سر نیزه.
- [34]- بحارالانوار، ج 61، ص 159-160.
- [35]- همان، ص 160.
- [36]- همان، ص 163.
- [37]- همان، ص 163.
- [38]- لقمان (32) آیهی 34.
- [39]- دعوات الراوندی، به نقل از بحارالانوار: ج 61، ص 160.
- [40]- یوسف (12) آیهی 100.
- [41]- امالی، صدوق، ص 335.

دفتر نشر فرهنگ و معارف اسلامی مسجد هدایت

محمدتقی عبدوس - محمد محمدی اشتهاردی